

یک صد و بیست و پنج یادنامه‌ی حسین تهرانی

گردآوری
رامتین نظری جو





مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف

کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۱

تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰

www.mahoor.com

info@mahoor.com

یک صد و بیست و پنج

یادنامه‌ی حسین تهرانی

گردآوری

رامتین نظری‌جو

تصویرگری جلد: علی خسروی

گرافیک جلد: سارا موسوی

صفحه‌آرایی: پویا دارابی

چاپ اول: ۱۴۰۵

تعداد: ۵۰۰ جلد

لیتوگرافی: باران

چاپ و صحافی: پژمان

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۷۴-۲۴-۵ ISBN: 978-622-4874-24-5

فهرست

پیشگفتار ۱۱

بخش اول. مصاحبه‌های حسین تهرانی

الف. مصاحبه‌های موجود در مطبوعات (انفرادی و گروهی)

۱. حسین تهرانی (هفته‌نامه‌ی تهران‌مصور، ۱۰-۱۷ دی ۱۳۴۸) ۱۵
۲. حسین تهرانی (هفته‌نامه‌ی سپید و سیاه، ۸ اردیبهشت ۱۳۵۰) ۱۹
۳. حسین تهرانی (هفته‌نامه‌ی سپید و سیاه، ۳۰ آبان ۱۳۵۲) ۲۴
۴. حسین تهرانی (روزنامه‌ی کیهان، ۱ آذر ۱۳۵۲) ۳۱
۵. حسین تهرانی (روزنامه‌ی اطلاعات، ۲ اسفند ۱۳۵۲) ۳۳
۶. حسین تهرانی (هفته‌نامه‌ی اطلاعات هفتگی، ۱۷ اسفند ۱۳۵۲) ۳۶
۷. حسین تهرانی، حسین علی ملاح و مهدی مفتاح
(مجله‌ی موزیک ایران، خرداد ۱۳۳۶) ۳۹
۸. حسین تهرانی، اصغر بهاری، فرامرز پایور، لطف‌الله مجد، اسدالله ملک و حسین ملک
(روزنامه‌ی کیهان، ۱۸ شهریور ۱۳۴۹) ۴۲
۹. حسین تهرانی، فرامرز پایور، پروین سرلک، سعدی حسنی و ناظریان
(روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۶ بهمن ۱۳۵۰) ۴۶
۱۰. حسین تهرانی، فرامرز پایور، رضا ورزنده و حسین قوامی
(روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۸ شهریور ۱۳۵۱) ۴۸

ب. مصاحبه‌ها و صحبت‌های موجود از حسین تهرانی در حامل‌های شنیداری

۱. صحبت در کاخ جوانان (سال ۱۳۴۷) ۵۴
۲. مصاحبه‌ی رادیویی (سال ۱۳۴۷) ۵۶
۳. ذکر خاطراتی از زندگی ۶۲

۴. ذکر خاطره‌ای از حبیب سماعی ۶۸
۵. صحبت‌هایی درباره‌ی کلاس حسین خان اسماعیل‌زاده و اهمیت ریتم ۷۰
۶. ذکر خاطره‌ی اجرایی در انجمن موسیقی ملی ۷۲
۷. ذکر نکاتی درباره‌ی تکنیک‌های اجرایی تمبک ۷۴
۸. ذکر نکاتی درباره‌ی شرایط هنرمندبودن ۷۶

بخش دوم. حسین تهرانی در نگاه دیگران (برنامه‌های رادیویی، یادنامه‌ها و مطبوعات)

۱. گفتگو با فرامرز پایور و محمد اسماعیلی ۸۱
۲. صحبت‌های فرامرز پایور (برنامه‌ی رادیویی «گلچین هفته»، شماره‌ی ۱۹) ۸۹
۳. صحبت‌های هوشنگ ابتهاج درباره‌ی قطعه‌ی لُکُمَتیو ۹۱
۴. فرامرز پایور ۹۲
۵. یادنامه: به مناسبت نخستین سالگرد خاموشی تهرانی، اسفند ۱۳۵۳ ۹۵
۶. محمود خوشنام ۱۰۳
۷. گفتگو با پروین سرلک ۱۰۵
۸. گفتگو با نصرالله سنجری ۱۰۷
۹. فریدون گیلانی ۱۰۹
۱۰. پرویز منصوری ۱۱۱
۱۱. داریوش صفوت (مجله‌ی موزیک ایران، تیر ۱۳۳۹) ۱۱۴
۱۲. گفتگو با انجوی شیرازی (هفته‌نامه‌ی سپید و سیاه، ۱۹ خرداد ۱۳۵۰) ۱۲۰
۱۳. گفتگو با فرامرز پایور، علی تجویدی، پروین سرلک، فرهنگ شریف و نیره (نازی) خانم ۱۲۵
۱۴. احمد احرار (روزنامه‌ی اطلاعات، ۹ اسفند ۱۳۵۲) ۱۲۸
۱۵. منوچهر همایون‌پور (روزنامه‌ی کیهان، ۱۳ اسفند ۱۳۵۴) ۱۳۰

۱۶. گفتگو با فرامرز پایور و محمد اسماعیلی (روزنامه‌ی رستاخیز، ۱۵ اسفند ۱۳۵۵) ۱۳۳
۱۷. خاطرات و صحبت‌های محمد اسماعیلی، فرامرز پایور، روح‌الله خالقی، حسین دهلوی، هوشنگ ظریف، جواد معروفی و منوچهر همایون‌پور
- (ماهنامه‌ی ادبستان، فروردین ۱۳۷۱) ۱۳۶

بخش سوم. مطالب مطبوعاتی پراکنده

۱. مجله‌ی موزیک ایران (مهر ۱۳۳۲) ۱۵۵
۲. مجله‌ی موزیک ایران (فروردین ۱۳۳۷) ۱۵۶
۳. مجله‌ی رادیو ایران (فروردین ۱۳۳۸) ۱۵۸
۴. مجله‌ی اخبار هنر و هنرمندان (آبان ۱۳۳۸) ۱۶۰
۵. هفته‌نامه‌ی تهران‌مصور (۲۴ شهریور ۱۳۴۶) ۱۶۱
۶. هفته‌نامه‌ی تهران‌مصور (۱۶ تا ۲۳ مهر ۱۳۴۷) ۱۶۲
۷. روزنامه‌ی اطلاعات (۱۰ شهریور ۱۳۴۸) ۱۶۴
۸. روزنامه‌ی آیندگان (۱۲ شهریور ۱۳۴۸) ۱۶۵
۹. مجله‌ی موسیقی (مرداد- آبان ۱۳۴۸) ۱۶۶
۱۰. مجله‌ی موسیقی (فروردین- اردیبهشت ۱۳۴۹) ۱۶۷
۱۱. روزنامه‌ی اطلاعات (۸ شهریور ۱۳۴۹) ۱۶۸
۱۲. روزنامه‌ی آیندگان (۱۱ شهریور ۱۳۴۹) ۱۷۰
۱۳. مجله‌ی موسیقی (مهر- آذر ۱۳۴۹) ۱۷۲
۱۴. روزنامه‌ی آیندگان (۲۰ شهریور ۱۳۵۰) ۱۷۴
۱۵. مجله‌ی تماشا (۲۳ شهریور ۱۳۵۱) ۱۷۵
۱۶. هفته‌نامه‌ی تهران‌مصور (۴ مهر ۱۳۵۲) ۱۷۶
۱۷. هفته‌نامه‌ی فردوسی (۶ اسفند ۱۳۵۲) ۱۷۸
۱۸. روزنامه‌ی اطلاعات (۷ اسفند ۱۳۵۲) ۱۷۹
۱۹. روزنامه‌ی کیهان (۷ اسفند ۱۳۵۲) ۱۸۰
۲۰. روزنامه‌ی آیندگان (۸ اسفند ۱۳۵۲) ۱۸۲
۲۱. مجله‌ی تماشا (۱۱ اسفند ۱۳۵۲) ۱۸۴
۲۲. هفته‌نامه‌ی تهران‌مصور (۱۵ اسفند ۱۳۵۲) ۱۸۶
۲۳. هفته‌نامه‌ی سپید و سیاه (۱۵ اسفند ۱۳۵۲) ۱۸۷
۲۴. هفته‌نامه‌ی اطلاعات هفتگی (۱۷ اسفند ۱۳۵۲) ۱۸۸
۲۵. روزنامه‌ی اطلاعات (۱۸ اسفند ۱۳۵۲) ۱۹۳
۲۶. ماهنامه‌ی رودکی (دی و بهمن ۱۳۵۳) ۱۹۴

۲۷. مجله‌ی تماشا (۳ اسفند ۱۳۵۳) ۱۹۵
۲۸. روزنامه‌ی اطلاعات (۱۴ اسفند ۱۳۵۳) ۱۹۸
۲۹. مجله‌ی تماشا (۹ اسفند ۱۳۵۴) ۱۹۹
۳۰. روزنامه‌ی اطلاعات (۱ اسفند ۱۳۵۵) ۲۰۰
۳۱. مجله‌ی تماشا (۱۴ اسفند ۱۳۵۵) ۲۰۳
۳۲. مجله‌ی تماشا (۲۱ اسفند ۱۳۵۵) ۲۱۱
۳۳. مجله‌ی جوانان رستاخیز (۱ دی ۱۳۵۶) ۲۱۳

بخش چهارم. فهرست آثار شنیداری حسین تهرانی

- الف. آلبوم‌ها ۲۱۷
- ب. آلبوم‌هایی که در آن‌ها اثری از حسین تهرانی توسط دیگر هنرمندان اجرا شده است ۲۲۰
- ج. آثار پراکنده ۲۲۰
- د. برنامه‌های رادیویی ۲۲۵
- ه. ضربی‌خوانی‌ها ۲۲۹
- و. نسخه‌های تصویری ۲۳۳

تصاویر ۲۳۵

منابع ۲۷۹

نمایه ۲۸۳

الف. مصاحبه‌های موجود در مطبوعات (انفرادی و گروهی)

۱

گفتگو با حسین تهرانی / هفته‌نامه‌ی تهران‌مصور، شماره‌ی ۱۳۷۱، از چهارشنبه ۱۰ دی تا چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۴۸: صفحات ۲ و ۳.

این دست‌های معجزه‌گر

[اشاره]

سال اول دانشکده بودم. امتحانات بهمن‌ماه رسیده بود و می‌خواستم بخوانم تا آماده شوم. اما تلویزیونی که در اتاق مجاور روشن بود، به من این فرصت را نمی‌داد؛ چراکه صدایش بلند بود. چند بار گفته بودم خاموشش کنند که نکرده بودند. با عصبانیت به اتاق مجاور رفتم و خطاب به برادرم گفتم: «مگه نمی‌بینی درس دارم!» همه با هم گفتند: «هیس، ساکت!» چشمم به صفحه‌ی تلویزیون افتاد. دو دست، دو دست معجزه‌گر، مثل فنر می‌چرخیدند یا نه مثل یک ماشین خودکار. نه، باز هم تندتر؛ مثل رعد. باز هم نه؛ چراکه رعد را می‌شود تشخیص داد. اما حرکات آن دو دست اساطیری را نمی‌شد به‌آسانی دید تا چه رسد به تشخیص!

من که می‌خواستم بخوانم، همان‌جا که بودم، نشستم و نگاه کردم. دست‌ها حرکت می‌کردند و پیاپی بر نقاط مختلف ضرب می‌نشستند. صدای ساز، صدای لُکُتِیوی بود که [می‌خواست] حرکت بکند، بایستد، سرعت بگیرد، آهسته برود، ایستگاه بود، با جنجال بدرقه و استقبال، همراه با همه‌ی بیم و امیدهایی که در صدای این ساز ساده خلاصه شده بود.

تا آن زمان ندیده بودمش و نمی‌شناختمش و حتی اسمش را هم نشنیده بودم و این اولین باری بود که با نام او آشنا می‌شدم و هم‌چنین با آلتی مثل ضرب که بعدها آن را «ساز» خواندم، هم‌چنان که دیگران؛ چراکه تا قبل از تهرانی کسی به آلتی مثل ضرب اعتنایی نداشت و حتی آن را جزء ادوات موسیقی نمی‌دانستند. اما تهرانی آن را از آن هیئت قدیمی بیرون آورد و آن‌چنان که شد که ارکستر ضربی تشکیل بدهند، در هنرستان موسیقی آن را به‌عنوان یک «ساز»^۱ به دانشجویان بیاموزند و یا به‌صورت سُلُو اجراش بکنند.

درباره‌ی مقام استاد تهرانی همین بس که عماد رام، آهنگ‌ساز و خواننده‌ی مشهور، او را «استاد عالی‌قدر و بزرگ» خود خطاب کرد. رهبر ارکستر بانوانِ رادیو ایران گفت: «دست‌های تهرانی معجزه می‌کنند. آن‌ها دست‌هایی معمولی نیستند. شاید که الکتریکی باشند.» و پرویز یاحقی، ویلنیست و آهنگ‌ساز مشهور، درحالی‌که حسین تهرانی را «استاد» خود خطاب می‌کرد، گفت: «پیش از استاد، ضرب یک ساز کوچک به‌حساب می‌آمد و شاید هیچ

۱. در متن اصلی، نوشته شده: «ضرب».

اما امروز در ارکستری که استاد هست، همه‌ی ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و همه و هم دارند. مارچلو که می‌خواست جاز را به‌صورت شلو دریاورد، تکنیک استاد تهرانی را گرفت و نوشت: «من از تهرانی استفاده‌ی شایانی برده‌ام».

وقتی سردبیر از من خواست تا از استاد رپورتاژی تهیه بکنم، سخت خوشحال شدم؛ چراکه آشنایی با استاد و شیوه‌ی کارش، یکی از آرزوهای من بود و پس از مشاهده‌ی فیلم ریتم،^۲ که در آغاز بدان اشاره شد و استقبال جهان هنر از این فیلم، بیشتر شیفته‌ی دیدارش شده بودم.

استاد تهرانی پنجاه و هشت سال دارد. بسیار شیک می‌پوشد و بیش از حد متواضع و فروتن است. او تاکنون چند جایزه‌ی بین‌المللی گرفته است که خودش درباره‌ی آن‌ها هیچ چیز نگفت و من از کسانی دیگر شنیدم. با استاد در خانه‌ی‌شان قرار داشتم.

* از ایشان پرسیدم: «استاد چگونه شد به ضرب روی آوردید؟» استاد گفت:

تهرانی: سال سوم ابتدایی بودم که پدرم مرا نزد مرحوم حسین خان اسمعیل زاده برد و پیش او تمبک^۳ آموختم (صبا، محجوبی، منصوری، مختاری از شاگردان اسمعیل زاده بوده‌اند) و بعد دوضربی،^۴ ۲/۴ را با صدای «یک صد و بیست و پنج» آموختم.

تیز و مبتدی نبود و وسیله‌ای برای پرورش ذهن هنری در هنرمند وجود نداشت. ما در اتوبوس‌ها یا جاهای عمومی ضرب می‌زدیم و مسخرگی و دلک‌بازی درمی‌آوردیم. این کار ما بود. مردم هم به ما به چشم آدم‌های پست می‌نگریستند و آدمی که چنین باشد، مسلماً از شاگردان ضعیف مدرسه است و بودم. همیشه «کلاه شیطونی» سرم می‌گذاشتند و تنبیه‌ام می‌کردند؛ آن‌چنان که دیگر کسی نمی‌گفت «کلاه شیطونی» بلکه وقتی می‌خواستند شاگرد دیگری را تنبیه بکنند و کلاه شیطونی می‌خواستند، می‌گفتند: «کلاه حسین را بیاورید!»

بعد از آن به خدمت استاد صبا رسیدم و ضرب را پیش آن مرحوم به‌صورت تکنیکی آموختم. تا سال ۱۳۱۹ که رادیو افتتاح شد و ارکستری تشکیل شد که من هم جزء آن بودم. ماهی شصت تومان حقوق می‌گرفتم و در هر روز، سه بار برنامه اجرا می‌کردیم؛ چراکه برنامه به‌صورت زنده پخش می‌شد. از اعضای ارکستر ما نی‌داوود بود، معروفی بود، عیسی‌خان بود و عبدالحسین شهنازی و من. خواننده‌های مان هم قمر بود و ادیب خوانساری، روح‌انگیز، روح‌بخش، بدیع‌زاده. این برنامه‌ی ما بود و مسلماً ما تأمین نبودیم.

۲. ساخته‌ی منوچهر طیب. برای اطلاع بیشتر نک. بخش چهارم، «نسخه‌های تصویری».

۳. در متن اصلی، به اشتباه، نوشته شده: «کمانچه».

۴. در متن اصلی، به اشتباه، نوشته شده: « $\frac{6}{8}$ ».

* از استاد پرسیدم: «مردم از چه دریچه‌ای به شما نگاه می‌کردند؟» استاد درحالی‌که از تأثیر سرش را پایین انداخته بود و زمین را نگاه می‌کرد، با صدای غمناکی که انگار به دوران چندین سال پیش برگشته است، گفت:

تهرانی: مردم ما را «مطرب» صدا می‌زدند. سر سفره‌های‌شان با ما غذا نمی‌خوردند. در هر مجلسی از همه پایین‌تر جای ما بود. به‌خصوص ضربی [= ضرب‌نواز] تیره‌بخت‌تر از دیگران بود؛ چراکه مجبور بود مثل نوکر در خانه‌ی مطرب دیگر کار بکند و به هر جا می‌رفتند، حمال ساز او باشد. مردم، ما را تف می‌کردند و این به دلایل مذهبی بود. همه نجس‌مان می‌پنداشتند اما در عروسی‌های‌شان از ما می‌خواستند تا بنوازیم.

حتی پدرم مرا طرد کرد. وقتی متوجه شدم که تنها شده بودم و این تنهایی برایم عقده شد و خواستم، من که همه‌چیزم را به‌خاطر یک ضرب از دست داده بودم، در راه نجات و تکامل آن بکوشم. از آن روز بود که سعی کردم که ضرب را به‌عنوان یک آلت مستقل در موسیقی معرفی بکنم. تلاش کردم، تمرین کردم، مطالعه کردم. از جاز، پیانو، دهل‌های محلی و سنتور استفاده کردم و چکیده‌ی همه‌ی آن‌ها را روی ضرب پیاده کردم و در همین مطالعه‌ها و تمرین‌ها بود که نت‌ها را کشف کردم و آن را به‌صورت علمی ارائه دادم که در کتابی نیز چاپ شده است و همین روزها منتشر می‌شود.^۵ البته برای این کار، همه‌ی آسیا را گشتم و روی همه‌ی سازهای ضربی مطالعه کردم تا بالاخره توانستم در سال ۱۳۳۴ در انجمن ایران و آمریکا آن را به‌صورت ساز مستقل معرفی بکنم و بعد از آنکه مرحوم خالقی نوار آن را به اروپا برد و گریپل، موسیقی‌دان مشهور، به خالقی گفته بود که: «ضرب یک ساز مستقل است.» گریپل اول باور نکرده بود که این صدا از یک پوست است و گفته بود: «برای ایجاد این صدا ما بایستی از سازهای مختلفی استفاده بکنیم.»^۶

* از مسافرت‌های تان بفرمایید جناب استاد.

تهرانی: تا کنون در میلان، سرنو، فرانسه، آلمان، پاکستان، ترکیه، افغانستان و... کنسرت‌هایی داده‌ام که برای خودم تجربه بوده است. در فرانسه، جماعت انتلیکتوئل^۷ و موسیقی‌شناس

۵. منظور کتاب آموزش تمبک است.

۶. خالقی در روزنوشت سه‌شنبه ۶ شهریور ۱۳۳۵ از سفر رومانی نوشته است که: «موضوعی که بسیار اسباب تعجب شنوندگان شده بود، ضرب سلوی [حسین] تهرانی بود و او را هنرمند زبردستی تشخیص دادند. آواز بنان هم خیلی مطبوع واقع شد. موسیقی ما برای‌شان خیلی تازگی داشت. خواهش کردند نوارها را دوبله کنند و نگاه دارند. قبول کردم. متخصص انگلیسی توضیحات زیاد راجع به طرز نواختن تمبک خواست» (خالقی ۱۳۸۵: ۳۹۳). شاید همین مورد، مد نظر تهرانی بوده است. البته این صرفاً یک گمانه‌زنی است ولی شرح تهرانی با یادداشت خالقی و تاریخ آن مطابقت نسبتاً خوبی دارد.

۷. Intellectuel، واژه‌ی فرانسوی به معنی «روشن فکر».

مجموعه‌ی پیش‌رو یادنامه‌ای ست برای هنرمند بی‌مانند و عالی‌مقام تمبک و موسیقی کلاسیک ایرانی: استاد حسین تهرانی. تمرکز این مجموعه بر روی سه مقوله است:

۱. مصاحبه‌های باقی‌مانده از حسین تهرانی؛
۲. مطالبی که درباره‌ی وی در مطبوعات و دیگر منابع به چاپ رسیده‌اند؛
۳. ارائه‌ی فهرستی جامع از آثار شنیداری تهرانی. در این کتاب سعی شده تا با گردآوری مطالبی متنوع و بعضاً کم‌یاب و آرشیوی، چشم‌اندازی هرچه روشن‌تر از زندگی و فعالیت‌های هنری این هنرمند ارزنده ارائه گردد.



مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهر
Mahoor Institute of Culture and Arts
www.mahoor.com info@mahoor.com

